مبارزه با دشمنان دمکراسی ایران از سیاوش ایراندوست

برخی با خیره شدن در قلدری دولت آمریکا در سیاست خارجی می گویند که دمکراسی خواهان ایران باید به آمریکا متمایل شوند تا از قدرتش برای آزادی ایران بهره ببرند! و با فراموشی ستیزه جویی آمریکا، ادامه می دهند که دوره ی ستیز تمام شده و دوره ی استقلال هم سر آمده و استقلال معنا و مصداق ندارد! و همان برخی با مغشوش ساختن تاریخ اضافه می کنند که اگر مصدق با آمریکا سازش می کرد، و با بله گفتن به او بر سر قدرت می ماند، بهتر از کودتای آمریکا علیه دولت مصدق بود و وضع ایران امروز بهتر می شد!
تخطئه ی استقلال و دموکراسی خواهی مصدق برای توجیه وابستگی و دیکتاتوری طلبی امروز خودشان است. مصدق پس از ملی کردن نفت، همه ی راههای مذاکره با انگلیس را پیگیری کرده بود ولی انگلیس قصد نداشت با دولت مصدق کنار بیاید و در صدد سرنگونی اش بود. و همچنین شخص دموکراتی مانند مصدق نمی تواند در رأس دیکتاتوری اتوریتر بنشیند. همان شاه و افرادی در آن سطح می توانند دست نشاندگی و نوکری خارجی و دیکتاتوری داخلی را بپذیرند، و امروز هم پهلوی طلبان و هم اصلاح طلبان اسلامگرا در صدد ایفای چنین نقشی برای خودشان هستند و باید با این دیکتاتوری اتوریتر خواهان و طرح حامی اش ستیز و مقابله کرد.
آمریکا علیه دمکراسی مصدق کودتا کرده و تا به امروز با دمکراسی خواهان ایران مقابله کرده و طرف مخاطبش در ایران، دیکتاتوری طلبان ایرانی (پهلوی طلبان و مجاهدین و اصلاح طلبان اسلامگرا، به همراهی فدرال طلبان قومگرای افراطی) است. و هدفش برقراری حکومت دست نشانده در ایران از نوع عربستان سعودی و شاه پهلوی است، یعنی در پی برقراری دیکتاتوری اتوریتر در ایران است تا بعد با همراهی تجزیه طلبان فاشیست، ایران را از هم بپاشاند.
دمکراسی بدون استقلال سیاسی ممکن نیست، دمکراسی یعنی اداره ی کشور به اراده ی مردمش نه به میل آمریکا. استقلال سیاسی معنا دارد: تصمیم گیری سیاسی برای ایران توسط ملت ایران از طریق دمکراسی با در نظر گرفتن موانع و محدودیتهای جهان واقع و پذیرفتن مسئولیت تصمیمها و عملکردهای خودمان. شعار پایان یافتن دوره ی استقلال، یکی از تبلیغات یاوه ی آمریکا طلبان است برای توجیه سرسپردگی شان.

برای برقراری دمکراسی در ایران باید منافع ملت ایران را در نظر داشت نه منافع بیگانگان را: با کنار گذاشتن مزدوران نومحافظه کاران و وطن فروشان سقوط کرده در دامن آمریکا و اسرائیل و عربستان سعودی از صحنه ی مبارزه ی آزادیخواهانه ی مردم ایران.
مشخص است که وظیفه ی آزادیخواهان ایران، ستیز با دیکتاتوری طلبان و طرح پشتیبانش است برای از میدان به در کردنشان، و پیروزی و برقراری دمکراسی در ایران. آمریکا با دمکراسی خواهان ایران مقابله می کند، و با راه دمکراسی ایران که راه مصدق است، دشمنی می کند. طرح خاورمیانه ی جدید که آمریکا بازیچه ی اسرائیل شده و این همه جنایات علیه بشریت در منطقه به خاطر این طرح احمقانه انجام داده است و لقمه ی اصلی این طرح، کشور ایران است که نمی تواند از عهده اش بربیاید.
از آنجا که ایران قدرت جهانی نیست، در این جهان چندقطبی که به دروغ از سوی آمریکا و آمریکا طلبان تک قطبی تبلیغ می شود، راه تعامل سیاسی همان پایبندی به استقلال سیاسی کشور و توان بازدارندگی دفاعی داخلی و موازنه ی منفی مصدق است: اختیار ایران همیشه باید به دست ایرانیان باشد، و منافع ملی ایران در سطح بین المللی با حفظ تعادل و مانور بین قدرتهای جهانی، پیگیری شود. امروز این راه تعامل با برقراری دمکراسی در ایران از همیشه آسانتر است.
باید از آمریکا طلبان خواست که به جای تکرار طوطی وار نام کشورهای ژاپن و کره جنوبی و مالزی و اندونزی و … به این پرسشها پاسخ دهند که دولت آمریکا با مردم خاورمیانه چگونه رفتار می کند؟ چرا آمریکا با همراهی متحدان منطقه ای احمقش، داعش وحشی را به جان مردم سوریه و عراق انداخته بود؟ سوقات دمکراسی آمریکا در افغانستان و لیبی خوشمزه است؟ جنایات علیه بشریت آمریکا در منطقه تقصیر آمریکاست یا دیگران؟ دمکراسی خواهان ایران به آمریکا متمایل شوند که آمریکا نقشه ی خاورمیانه ی جدید اسرائیل را اجرا کند و ایران را تکه پاره کند؟
شکست نیروهای نیابتی آمریکا یعنی داعش در عراق و سوریه توسط ایران، شکستی سنگین بر نقشه ی شوم خاورمیانه ی جدید وارد آورد. آمریکا نه توان مقابله با جمهوری اسلامی در منطقه را دارد و نه توان برانداختنش را. و در صدد سؤاستفاده از توان مخالفت مردم ایران با حکومت اسلامی برای رسیدن به مقاصد شومش در منطقه است. باید به آمریکا طلبان یادآور شد که موضوع را وارونه جلوه ندهند و در حقیقت این آمریکاست که می خواهد از قدرت مردم ایران بهره ببرد و آمریکا به قدرت مردم ایران نیاز دارد، نه دمکراسی خواهان ایران

به قدرت آمریکا برای آزادی ایران، که آمریکا نه قصدش را دارد و نه قدرتش را.
هر چند آمریکا در جنگ اقتصادی علیه ایران موفق عمل کرده و به همت دولت بی تدبیر و دغل روحانی، و سیستم دزدسالارانه ی جمهوری اسلامی، ایران را به این روز اقتصادی انداخته است، ولی موقعیت و قدرت منطقه ای ایران طبیعی این کشور است و آمریکا نمی تواند ملت به این عظمتی را به روز لیبی بیاندازد. آمریکا توان برانداختن جمهوری اسلامی را ندارد، و تحریمها و تهدیدهایش به نفع دیکتاتوری اسلامگرای مستقر و به ضرر مردم ایران عمل می کند.
با وجود زمینه چینی های اسرائیل و نومحافظه کاران آمریکایی کارگزار اسرائیل برای جنگ نظامی آمریکا علیه ایران، به احتمال زیاد جنگی مستقیم صورت نخواهد گرفت، که خطرات و زیانها و تبعاتش برای آمریکا و اسرائیل سرسام آور خواهد بود و به همین دلیل توان انجام چنین حماقتی را نخواهند داشت. ولی اگر جنگی علیه ایران تحمیل شود، در هم شکستن دشمنان ایران تنها چاره مان است: در دفاع از ایران در مقابله با دشمنان ایران، چاره ای نیست جز اینکه دشمنان ایران را به خاک بسپاریم.
هرکس با ایران طرف شود، باید با ملت ایران مصاف بدهد. طرف شدن با قدرت ملت ایران از عهده ی هیچ قدرتی برنمی آید، و حماقت جنگ علیه ایران، نابودی پایگاههای منطقه ای آمریکا و پایان حضورش در منطقه را رقم خواهد زد. و پایان ناگزیرش، شکست نهایی دولت آمریکا در منطقه و متعاقب آن پایان محور شرارت منطقه یعنی دولت فاشیستی قومی یهودی اسرائیل خواهد بود: البته با تشکیل دولت فراگیر ملی عادی در سرزمین فلسطین که حقوق شهروندی برابر همه ی مردم و ساکنان سرزمین فلسطین را به رسمیت بشناسد.
دمکراسی در سیاست داخلی برقرار می شود و مشکل مردم ایران در این زمینه به مردم ایران مربوط است و حلش هم فقط در توان خودشان است: مردم ایران با برقرار ساختن نظام سیاسی دمکراسی لائیک جمهوری ایران، حقوق شهروندی برابر برای همه ی مردم ایران برقرار می کنند. بدون حصار مستحکم سیاسی و نظامی ایران، دمکراسی دوام نمی آورد.
دمکراسی با توان داخلی و قدرت مردم ایران برقرار می شود و هیچ کمکی از آمریکا و آمریکا طلبان ساخته نیست که اصلاً سیاست آمریکا شر رساندن است و سؤاستفاده از توان مخالفت مردم ایران برای پیشبرد اهداف منطقه ای شومش، چون که خودش توانایی پیروزی منطقه ای در مقابل ایران را ندارد.
در سیاست خارجی دوست و دشمن دائمی نداریم، بلکه منافع ملی ایران

را داریم و اساس منافع ملی ایران بر پایداری کشور ایران، و برقراری و تثبیت دمکراسی در آن است. برای برقراری دمکراسی در ایران باید با دشمنان دمکراسی ایران، ستیز و مبارزه کنیم تا به پیروزی دمکراسی ایران برسیم. این مشکل ستیز، مشکل دیکتاتوری خواهان است و نمی توان استبداد طلبی و کوشش برای برقراری دیکتاتوری را محترم شمرد و باید با آنها مقابله کرد.
مبارزه با دخالت خارجی برای حفاظت از مردم و دولت و کشور ایران و جلوگیری از دست اندازی آمریکا و بیگانگان در حق حاکمیت ملی ملت ایران است. برای مقابله با دخالت خارجی در انقلاب بعدی مردم ایران برای برقراری دمکراسی، و دفع شرهای آمریکا و دست نشاندگانش، پیگیری استراتژی سیاسی مشخص و پیروی از رهبری سیاسی دموکرات که سابقه ی فعالیتش تداوم راه مصدق و شرح برنامه اش حاکی از حفاظت استقلال سیاسی ایران و احقاق حق حاکمیت ملی ملت ایران و آزادیخواهی و عدالتخواهی واقعی باشد، لازمه ی پیروزی است.
پیروزی دمکراسی یعنی شکست دشمنانش. برای برقراری دمکراسی باید از شر استبداد خلاص شویم: با براندازی دیکتاتوری اسلامگرایی مستقر و مبارزه با دیکتاتوری طلبان پهلوی و دیکتاتوری طلبان اسلامگرای اصلاح طلب و مجاهدین برای بیرون راندنشان از صحنه ی مبارزه ی آزادیخواهانه ی مردم ایران. این راه خلاصی از شر استبداد برای همیشه، در جبهه ی جمهوری دوم برای برقراری جمهوری دمکراتیک و لائیک ایران ارائه شده است. برای برقراری دمکراسی در ایران به جبهه ی جمهوری دوم ایران بپیوندید.

ایران – 31 اردیبهشت 1398

این مقاله از سایت ایران لیبرال (iranliberal.com) برگرفته شده است.